

AN ALTERNATIVE TO U.S. SANCTIONS AGAINST IRAN

<http://www.ghandchi.com/402-AlternativeToSanctions-plus.htm>

متن مقاله بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/402-AlternativeToSanctionsEng.htm>



آلترناتیوی بجای تحریم اقتصادی ایران

سام قندچی

بعدالتحریر 19 اردیبهشت 1384 (May 9, 2005)-تحریم نه، صندوق سازمان ملل برای دموکراسی خواهی در ایران-Petition- تقاضا از سازمان ملل که بجای تحریم ایران، یک ابتکار جدید را شروع کند، که تا زمانی که نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ادامه یابد، هر شرکتی که با ایران معامله میکند، موظف شود 50% سود عاید از پروژه های ایران خود را، به صندوقی که در سازمان ملل ایجاد شود بپردازد، که آن پول برای هدف تأمین پشتیبانی مالی جنبش دموکراسی خواهی ایران تخصیص یابد. لطفاً این متن را امضا کنید: <http://www.petitiononline.com/Iran1000/petition.html>

سألهاست تحریم های آمریکا بر روی جمهوری اسلامی ایران، موضوع بحث های پرحرارتی در میان اپوزیسیون ایران هستند. در واقع گرچه این تحریم ها با گروگان گیری اعضا سفارت آمریکا در ایران آغاز شدند، اما در سالهای بعد آن، این تحریم ها نه تنها گسترش نیافتند، بلکه در عمل محدود هم شدند، چه از طریق میان برهای قانونی، چه از طریق لابی ایست های جمهوری اسلامی، و دلیل این سیر نزولی نیز، واقعاً نه لابی ایست های مزد بگیر جمهوری اسلامی، بلکه خود اپوزیسیون ایران بود، که اساساً ضد تحریم بوده و عمل میکرده است.

برخی از تند و تیز ترین مخالفین جمهوری اسلامی، حتی کمک های مالی زیادی در پشتیبانی جنبش برای برداشتن تحریم از روی جمهوری اسلامی صرف کردند، و بحث شان هم این بود که برعکس شوروی و آفریقای جنوبی سابق، مردم ایران هستند که از تحریم زجر میکشید، و بنابراین آنها، با آنکه خود خواهان پایان جمهوری اسلامی بودند، اما علاقه ای به تحریم جمهوری اسلامی نداشتند.

جالب است که همه این سالها، بسیاری از پشتیبانان اپوزیسیون ایران، که به فعالیت های ضد تحریم کمک مالی میکردند، حتی یک دینار هم برای کمک به نیروهای اپوزیسیون که برای پایان دادن به جمهوری اسلامی فعالیت میکردند ندادند. این حرف فقط درباره بسیاری از آنها نیست که مزد بگیر جمهوری اسلامی هستند، و یا از معامله با ایران سود میبرند. درست است که لابی ایست های واقعی مزدبگیر جمهوری اسلامی وجود دارند، اما آنهاست که من درباره شان مینویسم، *اپوزیسیون* واقعی بودند، اما این طور بود که حاضر بودند پولشان را برای متوقف کردن تحریم ها صرف کنند، و نه برای کمک به اپوزیسیون. چرا؟ زیرا که آنها تحریم ها را یک شر فوری میدیدند، که میتواندست یک بچه ایرانی را از سو تغذیه بکشد، در صورتیکه آنها اپوزیسیون را هدفی دراز مدت میدیدند، و مطمئن نبودند از که پشتیبانی کنند، اگر حتی از هیچکدام!

متأسفانه بسیاری از فعالین ضد تحریم ذکر شده، که همه این سالها به جمهوری اسلامی کمک کردند، افراد مستقلی بودند که از جیب خوشان خرج میکردند، با این حال علاقه ای به پشتیبانی از نیروهای اپوزیسیون نداشتند، و در بهترین حالت ممکن بود 10 دلار به تشریه مورد علاقه شان بدهند، اما وقتی که نوبت مبارزه ضد تحریم های آمریکا بود، آنها احساس میکردند که دارند به کودکی یاری میکنند که بخاطر نداشتن شیر، در نتیجه تحریم، دارد میمیرد. چه خوب و چه بد، این واقعیت شکلی است که برخی از آگاه ترین ایرانیان درباره موضوع تحریم فکر میکنند.

در همه این سالها، خود من هم خواست تحریم های تازه را مطرح نکردم، ولی خواست گذاشتن شرایط حقوق بشر، برای پایان تحریم های موجود آمریکا را مطرح کردم، و به این خاطر هم بشدت مورد حمله قرار گرفتم، نه تنها از طرف لابی

ایست های جمهوری اسلامی، بلکه همچنین از طرف بخشی از اپوزیسیون ایران که در بالا ذکر کردم. نیازی نیست که بگویم که موضع اتحاد اروپا امروز، همان خواستی است که من آن روزها طرح میکردم، و آنها که در اپوزیسیون ایران، در آن روزها به من بخاطر موضع درباره تحریم حمله میکردند، امروزه از همان موضع آنروز من دفاع میکنند. و البته جمهوری اسلامی که میبیند این شرط امروز بروشنی مورد درخواست بین المللی است، سعی میکند ادعا کند که نقض حقوق بشر در ایران وجود ندارد، گرچه تطهیر واقعیات مرگ زهرا کاظمی، یا تهدید به مرگ سلمان رشدی توسط شخص ولی فقیه، به این راحتی نیست.

موضوعات بالا معروف خاص و عام اند، و در مطبوعات ایرانی و بین المللی بطور مبسوط بحث شده اند. در واقع من مواضع درباره تحریم را در گذشته، در جزئیات بحث کرده ام، و بویژه در مقاله ای تحت عنوان "تحریم بین المللی: آری یا نه؟" [http://www.ghandchi.com/319-IRISanctionsEng.htm]، بیش از یک سال پیش، در اسفند 82، مفصلاً به بررسی این موضوعات پرداختم، و در اینجا نیازی به تکرار نیست.

فقط یاد آور شوم که مقاله بالایی من، در پاسخ به بخشی از اپوزیسیون ایران بود، که یک سال و نیم پیش، درخواست کرده بود، تا بطور فعال برای تحریم جمهوری اسلامی از سوی همه کشورها، بویژه از سوی دموکراسی های غربی اقدام شود. من نوشته بودم که چنین موضعی، شکاف کنونی درون اپوزیسیون ایران بر روی موضوع تحریم را، بیشتر خواهد کرد، و همچنین متذکر شده بودم که مردم ایران به دلائل دیگری با تحریم مخالفند، یعنی حتی بسیاری از همان کسانی که فعالانه برای پایان دادن به جمهوری اسلامی کار میکنند، با تحریم مخالفند.

من یاد آور شدم که واقعیت بالا، ممکن است که بشکل پارادکس بنظر آید، بویژه برای بسیاری که استفاده از تحریم در شوروی و آفریقای جنوبی گذشته را دیده اند، اما واقعیت مردم ایران و اپوزیسیون ایران، چه خوب و چه بد، به این شکل پارادکس هست که توصیف کردم، و بنابراین من فکر نمیکنم طرح خواست تحریم های بین المللی موضع درستی باشد.

حال سؤال این است که اگر ما خواست تحریم سازمان ملل بر روی جمهوری اسلامی را طرح نکنیم، وقتی که تضییقات فاحش حقوق بشر در ایران را میبینیم، در آنصورت آیا انتخاب دیگری برای ما هست؟ پاسخ من این است که ما نوع دیگری عمل سازمان ملل را نیاز داریم.

اجازه دهید قبل از طرح آلترناتیو خود، نگاهی به اپوزیسیون ایران کنیم، که امروز دیگر تقریباً همگان در این متفق القولند که این نیرو، انتخاب واقعی برای تغییر رژیم در ایران است، و هر گونه تجاوز به ایران از سوی یک نیروی خارجی، چه از طریق یک ائتلاف مورد پشتیبانی سازمان ملل، یا از طرف خود آمریکا، نتیجه معکوس خواهد داد. اگر انتظار چنین بزرگی از اپوزیسیون ایران داریم، یعنی کاری که ارتش آمریکا با توان مالی و نظامی خود در عراق، بسختی توانست جامه عمل بپوشاند، پس چه برنامه مالی برای این کار خطیر مقاومت ایران هست؟

خمینی در زمان مبارزه با رژیم شاه، از منابع مالی خمس و زکات، که منابع درآمد عظیمی برای روحانیت ایران هستند، برخوردار بود. در مقایسه، اپوزیسیون مستقل سکولار ایران، تقریباً هیچ منبع مالی ندارد، و ما میخواهیم این نیرو تغییر رژیم ایران را انجام دهد!

مقاومت ایران در سخت ترین موقعیت مالی قابل تصور بسر میبرد. به هر یک از نیروهای مستقل اپوزیسیون که بنگرید، بسختی کمکی از هیچ منبعی برایشان میرسد. بسیاری ایرانیان پروفشنال هستند، که در بسیاری موارد میتوانند بیش از \$200000 دلار در سال فقط حقوق داشته باشند، اما سالهاست حاضر شده اند سه برابر کار عادی شان در درون اپوزیسیون کار کنند، بدون هیچ درآمدی، و آنها بقیمت محروم کردن خود و خانواده هایشان از ابتدائی ترین امکانات زندگی.

البته کنگره آمریکا بودجه 3\$ ملیون دلاری برای کمک به مقاومت ایران را تصویب کرده است. اولاً که بسیاری از نیروهای مقاومت ایران با دریافت کمک از یک دولت معین مسأله دارند، در صورتیکه مسأله ای با دریافت کمک از موسسه ای نظیر سازمان ملل ندارند، که علنی وبدون هر قید و بندی باشد. اما غیر از این موضوع، 3\$ ملیون دلار پولی نیست و مثل هیچ است. منظورم این است که این مبلغ برابر درآمد 15 نفر از افراد ذکر شده است، که در غیر اینصورت سالی 200000\$ دلار میتوانستند در آمد داشتند، وقتی مجانی برای مقاومت ایران همه این سالها فعالیت کرده اند. و میدانیم که خیلی بیش از این تعداد، طی این سالها، بقیمت گزاف برای خود و خانواده شان، این کار را کرده اند، و نتوانستند هدف مورد نظر را کسب کنند. بنابراین چگونه میشود با این بودجه ناچیز، برای جذب افراد با توان بالا، برای کار تمام وقت در جنبش ایران، موفق شد، وقتی ما میدانیم دادن حقوق به فعالین تمام وقت، تنها خرج مقاومت نیست، و مثلاً داشتن یک ایستگاه تلویزیونی سیاسی، که برنامه های پر محتوا درست کند، مخارج هنگفتی را در پی دارد.

آیا راه حلی برای همه این واقعیت پارادکس گونه اپوزیسیون ایران هست؟ من فکر میکنم چنین راه حلی وجود دارد:

طرح من، آغاز یک ابتکار جدید در سازمان ملل است، که تا زمانی که نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ادامه یابد، هر شرکتی که با ایران معامله میکند، موظف شود 50% سود عاید از پروژه های ایران خود را، به صندوقی که در سازمان ملل ایجاد شود بپردازد، که آن پول برای هدف تأمین پشتیبانی مالی مقاومت ایران تخصیص یابد.

البته کماکان همه تقرب هائی که در تحریم میبینیم، در موقع دریافت از شرکت ها در این ابتکار هم خواهیم دید، و تقرب هائی نظیر آنچه لابی ایست های جمهوری اسلامی برای تطهیر نقض های حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی میکنند، کماکان وجود خواهند داشت اما نکته خوب در این طرح این واقعیت است که افراد صادق اپوزیسیون ایران، دیگر مثل حالت تحریم امروز احساس نمیکنند که کوشش آنها دارد غذا رساندن به یک نوزاد ایرانی را مانع شود، که بخاطر سو تغذیه میتواند به مرگ کودک بیانجامد، و در نتیجه دیگر گول تبلیغات لابی ایست های جمهوری اسلامی را نخواهند خورد، زمانی که جامعه بین المللی مدتهاست آماده است با موضوع نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی برخورد کند.

اپوزیسیون ایران به این شکل تقویت میشود، و قتیکه خمس و زکاتی برای کمک به اپوزیسیون مستقل ایران، در همه این سالها وجود نداشته است، و مضافاً اینکه دریافت این در آمد از طرف اپوزیسیون ایران مشروعیت دارد، چرا که از بازرگانی مرتبط به ایران است، و اپوزیسیون ایران سالهاست از منابع مالی درآمد ایران، بوسیله جمهوری اسلامی محروم شده است، و دریافت بخشی از این عایدات ایران به این شکل کاملاً مشروع است.

دیگر آنکه وجود اپوزیسیون قوی ایرانی، باین معنی خواهد بود، که جمهوری اسلامی نمیتواند مثل امروز، براحتی به کانادا پاسخ دهد که حاضر نیست جسد زهرا کاظمی را برای کالبد شکافی تحویل دهد، و کانادا هم در مقابل این انتخاب قرار گرفته، که یا به دفاع از شهروند خود وفادار بماند، و روابط خود را با جمهوری اسلامی قطع کرده و تحریم برقرار کند، و یا آنکه ملاحظات تجاری آندولت را در اتخاذ چنین تصمیمی مردد کند.

البته ابتکار ایجاد چنین صندوق سازمان ملل، کار ساده ای نیست، نه فقط بخاطر سختی دریافت 50% سود شرکتها از درآمد کارشان با جمهوری اسلامی، بلکه بویژه انجام وظیفه تعیین اینکه چه نیروهائی حق شان است که کمک از این صندوق دریافت کنند. و دوباره نظیر تمام موارد دیگر کوششهای برای حقوق بشر، نظیر تعیین موارد کار دفاعی، سازمانهائی نظیر عفو بین الملل، دیدبان حقوق بشر، ACLU، و تشکیلاتهای های مشابه، میتوانند به این کوششها به سازمان ملل یاری کنند، و انجام همه این ها اقدامات هم، بصورت *باز* و علنی وبدون هرگونه *قید* و بند.

به امید جمهوری دوم آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

1 اردیبهشت 1384

April 21, 2005

مقالات مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/index-Page4.html>

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>